



کوچ امامان اسماعیلی از الموت به انجدان در قرن‌های ۹ و ۱۰ هجری^۱

سینا فروزش،^۲ معصومه خورشیدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

چکیده

واکاوی بستر جغرافیایی رویدادها، در تحقیقات تاریخی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا بدون شناخت دقیق عوامل جغرافیایی، تحلیل و تشریح حقایق وقایع، امری دشوار به نظر می‌رسد. مسئله تحقیق حاضر این است که چرا امامان اسماعیلی که عمده مراکز استقرار و فعالیت آنان در نواحی شمال و شمال شرق بوده، به طور ناگهانی عراق عجم و روستای انجدان را به عنوان مقر امامت انتخاب کردند و مدت دو قرن به فعالیت‌های مذهبی و تبلیغاتی خود ادامه دادند؟ فرضیه تحقیق این است که تنوع جغرافیای طبیعی از یک سو و موقعیت راهبردی این روستا از سوی دیگر باعث توجه نزاریان به این منطقه گردید. در انجام این تحقیق از روش تحقیق تاریخی با رویکرد کیفی استفاده شده است که سعی دارد با نگاهی عینی به وقایع و حوادث مستند تاریخی که در منابع آمده است و اطلاعاتی که به صورت تاریخ شفاهی و میدانی گردآوری شده است، به تبیین تاریخی موضوع بپردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی این منطقه، ویژگی‌های فرهنگی و نفوذ تشیع از اوایل قرون اسلامی، راه‌های تجاری و اقتصادی و وجود کاروانسراهای متعدد هم از جمله عواملی بوده که توجه امامان اسماعیلیه را به خود جلب کرده است. همچنین این منطقه به دلیل دور بودن از مراکز قدرت، محل امنی برای مریدان امامان نزاری بوده که در این منطقه به راحتی آموزش‌های لازم را فراگیرند و به تقویت سیستم تعلیمی اسماعیلیه همت گمارند.

واژه‌های کلیدی: کوچ، جغرافیای تاریخی، اسماعیلیان، انجدان، امامان اسماعیلی

۱- فروزش، سینا؛ خورشیدی، معصومه (۱۴۰۴). کوچ امامان اسماعیلی از الموت به انجدان در قرن‌های ۹ و ۱۰ هجری، فصلنامه تحقیقات تاریخ

ایران دوره اسلامی، سال دوم، شماره سوم، تهران: ص ۸۳-۱۰۴.

۲- دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): s.foroozesh@iaui.ir

۳- دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، آموزش و پرورش استان مرکزی. پست الکترونیک: masoome.khorshidi@yahoo.com

مقدمه

مطالعه و مشاهده دقیق محل وقوع رویدادها، مورخان را برای درک بسیاری از ابعاد حیات اجتماعی زندگی گذشته انسان آماده‌تر می‌کند. آگاهی از موقعیت جغرافیایی سرزمین‌های دور و نزدیک و سرزمین‌های تحت سلطه، مانند چراگاه‌ها، مراتع، آب و هوای سرزمین‌ها، اطلاع از گذرگاه‌ها، تنگه‌ها، کمینگاه‌ها، منابع آب و آذوقه، استحکامات منطقه‌ای، آگاهی از شبکه راه‌های زمینی و دریایی، ضرورت‌های دینی نظیر اماکن مقدس و علم‌آموزی، آگاهی از فرآورده‌های صنعتی، کشاورزی و دامی مناطق همیشه مورد توجه فرمانروایان، تجار و رهبران مذهبی بوده است. به همین دلیل امروزه مورخان نیز سعی می‌کنند تاریخ مناطق را با توجه به محل وقوع رویدادها، بازسازی کنند. بسیاری از ابعاد تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی با مطالعه مکان وقوع حوادث روشن و مشخص خواهد شد. بازسازی تاریخ بر اساس اسناد و مدارک با مشاهده و بازرسی عرصه وقوع حوادث، کامل‌تر و دقیق‌تر صورت خواهد گرفت. در بررسی تاریخ یک منطقه، تنها با مطالعه رویدادهای تاریخی محض، شناخت دقیق و فهم درستی از گذشته آن منطقه به دست نخواهد آمد، زمانی این امر محقق خواهد شد که در کنار مطالعه رویدادها به بررسی موقعیت جغرافیایی آن نیز پرداخته شود و عواملی نظیر راه‌های ارتباطی، مناطق مهم نظامی و آب و هوای منطقه مورد نظر به دقت مشاهده و توصیف شوند.

وجه تسمیه انجدان

درباره نام انجدان نیز سخن‌های فراوان گفته شده است. این که این نام از کجا و به چه معنایی است به سختی می‌توان دآوری کرد در این زمینه و برای شناخت درست بهتر است به منابع تاریخ شفاهی و مکتوب اشاره شود.

- تاریخ شفاهی و محلی

در قلمرو فرهنگ ایرانی صدها آبادی وجود دارند که نام خود را از رستنی‌های همان محل اخذ کرده‌اند (ابریشمی، ۱۳۷۶: ۵۷۳-۵۶۹). از آن جمله نام‌های انگدان و انجدان برای روستای در نواحی کاشان و فرمهین اراک است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل عنوان انجدان و انگدان؛ برهان قاطع ذیل انگدان)

انجدان معرب انگوان نام بوته‌ای بزرگ است که اهالی روستا به آن کما می‌گویند به دلیل رویش این گیاه در این منطقه این روستا را هم به نام خوانده‌اند. اهالی روستا از این گیاه ترشی و مربا تهیه می‌کردند (دهگان، ۱۳۴۹: ۱۲) و برای رنگین کردن سفره‌ها خورش آن نیز مورد توجه بوده است. از این گیاه حتی برای خوراک حیوانات نیز استفاده می‌شد محل رویش کما در منطقه هفتاد قله و اطراف آن است. این گیاه بلند سبتر و گاهی طول آن به دو متر هم می‌رسد. برگش شبیه کلم و از آن بزرگ‌تر است و گلی چتری مثل شوید سفید و طعمش بسیار خوش است (تنکابنی، ۱۳۷۳: ۷۲). سنگ قبری نیز در انجدان نصب بروی دیوار یک تکیه وجود دارد که فامیل متوفی با نام

انکوانی با نام این گیاه همخوانی دارد. این سنگ قبر قدیمی یادآور نام این ده قدیمی از گیاهی است که در گذشته مصارف دارویی، ادویه‌ای و خوراکی داشته و به فراوانی در این منطقه یافت می‌شده است. سنگ نوشته دیگری در زمان صفویه و شاه‌عباس اول در موزه چهار فصل اراک نگهداری می‌شود که به نام انجدان به عنوان یکی از توابع قم اشاره کرده است.

در خانه «محبعلی محبی» - شاعر سرشناسان روستای انجدان و نویسنده کتاب کشکول - شعری با خط خوانا از ایشان وجود دارد که در قالب نظم، وجه تسمیه این روستا کهن را بیان کرده است:

ولی ای دوستان این انجدان است	مغرب از حروف انگدان است
بود انگد گیاهی بر سر کوه	که در این نقطه می‌روید انبوه
گیاهی مملو از هورمون مردی	که دارو بود بر هر درد و زخمی
محبی را همی خود افتخار است	که جزو مردمان این دیار است

جغرافیای انجدان

بلازی آن را نام دهی می‌داند که در صدر اسلام جزء اصفهان بوده است (بلازی، ۱۳۳۷: ۴۳۹). تا آن که در روزگار عباسیان پیرو کاشان گردیده است (هدایت، ن. خ. شماره ۳۴۴۱: ۱۱۴ ب). حسن بن محمد بن حسن قمی نویسنده تاریخ قم روستاهای توابع قم را نام برده و هیچ نامی از انجدان نبرده است به نقل از دهگان، قمی این روستا را زیرآوند نامیده است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۱۹). اما هیچ مدرکی که نشان دهد زیرآوند همان انجدان است وجود ندارد. گزارش شرف‌الدین علی یزدی درباره حمله تیمور به این منطقه، نام آن را انکوان دانسته است (یزدی، ۱۳۳۶: ۲۴/۱). میرخواند نیز چون این گزارش را از شرف‌الدین نقل کرده است آن را انکوان خوانده با این تفاوت که شرف‌الدین اعلام می‌کند که حمله تیمور باعث از بین رفتن نزاریان در این منطقه می‌شود که میرخواند این حادثه را نپذیرفته و روایت کرده است که: «حضرت صاحب قران به طرف قلعه انکودان توجه فرمود و مردم آن موضع را که از غلات اسماعیلیه بود و الحاله هذ به همان مذهب‌اند گریخته در نقب‌ها جستند» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۱۱/۱). در پی عربی کردن نام‌ها که از زمان عباسیان آغاز شد و با نوشته شدن کتاب‌های مسالک و ممالک نام بسیاری از شهرهای ایرانی نیز در نوشته‌ها و فرمان‌های دولتی به شکل عربی درآمد؛ خانگاه به خانقین، آبادان به عبادان، اسپهان به اصفهان، بادخیز به بادغیس، کومش به قومس، زنگان به زنجان و انگدان به انجدان تبدیل شد (امام شوشتری، ۱۳۸۶: ۱۵).

از میان محققان معاصر هم ابراهیم دهگان، نویسنده تاریخ اراک، به نقل از انجمن آرای ناصری و برهان قاطع این ده را از توابع کاشان معرفی کرده و علت نامگذاری آن را هم وجود گیاه انگوان دانسته است (دهگان، ۱۳۴۹: ۱۲).

از نظر تقسیمات کشوری، انجدان یکی از روستاهای شهرستان اراک است که در دامنه کوه هفتاد قله در بخش امان‌آباد واقع شده است. این روستا در مدار جغرافیایی ۵۰ درجه و ۲ دقیقه و ۳۸ ثانیه شرقی و ۳۳ درجه و ۵۷ دقیقه

و ۴۲ ثانیه شمالی در ۶۴ کیلومتری شمال خمین، ۳۷ کیلومتری شرق اراک و با همین فاصله از غرب محلات قرار گرفته است. جلگه وسیع فراهان که شهر اراک در جهت جنوب شرقی آن قرار گرفته است، اکنون به چند بخش تقسیم می‌شود که در مرکز آن فراهان و در شمال دهستان آشتیان و بزچلو، در جنوب شرقی آن دهستان مشک آباد یا دوراخور قرار گرفته است. روستای انجدان در دامنه‌های کوه‌های متعدد تا به هفتاد قله کشیده شده است. این منطقه به جهت حاصلخیزی خاک و آب فراوان همیشه مورد توجه زارعان و قلاع مستحکم، کوه‌ها و غارهای کوچک و بزرگ آن پناهگاه معترضان حکومت در دولت‌های مختلف بوده است. ارتفاع انجدان از سطح دریا ۲۰۰۰ متر است. وسعت و گستردگی آن نزدیک به ۱۱ هزار و ۸۷۷ هکتار است. از نظر موقعیت جغرافیایی منطقه انجدان در شرق شهرستان اراک، شمال شهرستان خمین و غرب شهرستان محلات قرار دارد. قلمرو زراعی این روستا اغلب بر سطح شیب‌دار و سنگلاخ گسترده شده است و چون به این صورت می‌باشد زمین‌های زراعی در این روستا اندک است. اقتصاد این روستا بر کشاورزی و دامداری بنا شده است و از جمله عوامل گسترش اراضی زراعی می‌توان دسترسی به آب چشمه جاری از میان روستا و حاصلخیزی خاک اشاره کرد. کوه‌های بلندی که روستای انجدان را احاطه کرده است موجب ایجاد یک موقعیت راهبردی مناسب برای در حاشیه ماندن فراهم کرده است. غارهای متعدد گریزگاه‌هایی طبیعی در مقابل نیروهای مهاجم بوده است، به همین دلیل این منطقه مورد توجه کسانی قرار گرفته که به دنبال مخفیگاه و زندگی حاشیه‌ای بدون دردسر بودند. برای همین بود که پس از سقوط الموت و کشتار اسماعیلیان توسط مخالفان‌شان شرایط اقلیمی و جغرافیایی این منطقه که بی‌شباهت به منطقه الموت نبود مورد توجه امامان اسماعیلیه قرار گرفت و به مدت دو قرن این اقلیم را به عنوان مقر خود انتخاب کردند.

الف) ویژگی‌های اقلیمی و طبیعی

آب و هوای انجدان از نوع معتدل کوهستانی است که در زمستان‌ها نسبت به هوای اراک گرم‌تر و در تابستان‌ها بسیار خنک و روح‌افزا است. آب آشامیدنی روستای انجدان، از طریق چاه و چشمه تأمین می‌شده است که امروزه آب آن پمپاژ شده و پس از تصفیه توسط مخزن آبی به روستا انتقال داده می‌شود و از طریق انشعاب در اختیار اهالی قرار می‌گیرد. اما منبع اصلی آب برای زمین‌های کشاورزی رودخانه (از سمت محلات به روستا سرازیر می‌شود)، چشمه و چاه‌های نیمه عمیق است که چشمه‌ها توسط مردم هر سال لایروبی می‌شود. مالکیت چاه‌های آب به صورت اشتراکی بوده و آب روزی یک بار به صورت چرخشی در بین کشاورزان مورد استفاده قرار می‌گیرد البته آب چشمه هم به صورت چرخشی یک بار در بین کشاورزان می‌چرخد که میرآب وظایفی چون نگهداری از موتور آب و اطلاع‌رسانی به کشاورزان جهت گرفتن آب را بر عهده دارد. مهم‌ترین چشمه انجدان در محله بالا قرار دارد که این چشمه به نام خود روستا نامیده می‌شود که در قدیم سنگی بر روی این چشمه قرار گرفته بود که سنگ مقسم آب نام داشت. این سنگ میزان آب مورد استفاده برای قسمت روستا را تعیین می‌کرد، متأسفانه این سنگ امروزه شکسته و بقایای آن در منزل آقای پاکباز که مقیم اراک است قرار دارد (خورشیدی، ۱۳۹۲: مصاحبه با مجبعلی

محبی). از دیگر چشمه‌های مهم می‌توان از چشمه دره آب سرد که با عنوان دره نامیده می‌شود و از دستاوردهای خانواده مین‌باشی بوده است و چند چشمه واقع در دره بید، مانند چشمه فضل علی و چشمه چمن‌الله نام برد (دهگان، ۱۳۴۵: ۱۳۵-۱۳۴).

در مورد نحوه تقسیم آب کشاورزی در انجدان، یکی از اهالی قدیمی روستا، بنام سید مصطفی شریفی، در مصاحبه‌ای گفته است: «تقسیم آب در انجدان بسیار دقیق و حساب شده است به طوری که به هیچ‌کس در این زمینه اجحاف نمی‌شود. هر شبانه‌روز ۲۴ ساعت است و هر ساعت ۱۵ دقیقه. در انجدان هر ۱۵ دقیقه یک سرجه محسوب می‌شود. سرجه واحد خرید آب در انجدان است یک شبانه‌روز ۹۶ سرجه است. هر ۶ ساعت یک شعیر می‌شود و در واقع هر شعیر ۲۴ سرجه است. آب انجدان دو قسمت می‌شود نصفش برای محله پایین و نصف دیگر محله بالاست. و در هر ۱۲ روز یک بار بین اهالی (کسانی که واحد آب را خریداری کرده باشند) چرخش می‌کند. در واقع هر ۱۲ روز یکبار نوبت یک کشاورز است ارزش هر زمان آب هم متفاوت است اول صبح بهترین موقع آبیاری است ولی سر ظهر و عصر زمان مناسبی نیست. برای این که عادلانه همه از آب برداشت کنند سیستمی طراحی شده با عنوان‌های بن دینی (از ۶ صبح تا ۹ صبح) چاشت گاهی (از ۹ صبح تا ۱۲ ظهر) نصف روزی (از ۱۲ تا ۳ ظهر) نماز گرین (از ۳ عصر تا ۶ غروب) نمازگزار (از ۶ غروب تا ۹ شب) نصف روزی شب (۹ شب تا ۱۲ شب) چاشتگاهی شب (از ۱۲ شب تا ۳ صبح) بن دینی شب (۳ صبح تا ۶ صبح)؛ مثلاً من شریفی ۶ ساعت آب دارم، نوبت آب من بن دینی شب و بن دینی روز است، یعنی از ساعت ۳ صبح تا ۹ صبح. دفعه بعد نوبت آب من میشه نصفه روزی، روز و شب یعنی از ۱۲ ظهر تا ۳ بعد از ظهر و از ۹ شب تا ۱۲ شب. دفعه بعد می‌شود چاشت گاهی روز و شب؛ یعنی ۹ صبح تا ۱۲ ظهر و ۱۲ شب تا ۳ صبح و دفعه آخر می‌شود نماز گرین و نمازگزار یعنی ۳ عصر تا ۹ شب. چون همه نمازها را در این زمان به جز نماز صبح خوانده می‌شود» (خورشیدی، ۱۳۹۶: مصاحبه با سید مرتضی شریفی). گردش این چینی آب باعث می‌شود که کشاورزان در همه زمان‌ها از آب استفاده کنند. آب محله پایین هم همین گونه تقسیم می‌شود. چون واحد آب سرجه است سرجه به سرجه آن مشخص است و حتی یک دقیقه آن بی حساب نبوده است. گاهی نیز زنان صاحب سرجه بودن این مالکیت در ازای مهریه یا ارث به آنها تعلق می‌گرفت. برای همین نقش آب به عنوان عنصری حیاتی در شکل‌گیری سکونت گاه آدمی از جمله این روستا غیرقابل کتمان است یکی از دلایل ایجاد روستای انجدان و تداوم زندگی در آن را باید در وجود چشمه آب انجدان یافت. هر چند این منطقه منابع آبی دیگری نیز دارد، اما نبض زندگی در انجدان از آب چشمه جان گرفته است. عبور آب گوارای چشمه از کوچه‌ها و حیاط خانه‌ها منظره‌ای زیبا و سرسبز به وجود آورده است که برای مدت‌های مدیدی نیازهای خوراک، شستشو و آبیاری این روستا را تأمین کرده است.

متوسط بارندگی در این ناحیه ۴۰۰-۳۰۰ میلی‌متر می‌باشد و متوسط دمای بهار بین ۱۵ تا ۲۵ درجه بالای صفر، تابستان بین ۳۰ تا ۴۰ درجه بالای صفر، پاییز بین ۱۵ تا ۵ درجه بالای صفر و زمستان تا ۱۰ درجه زیر صفر هم می‌رسد (اطلس ملی ایران عمومی، سازمان نقشه‌برداری، ۱۳۶۸: ۳۶-۴۳). میانگین دما در این روستا ۱۲ درجه بالای صفر است

که بهترین زمان برای گردشکردی در این روستا اردیبهشت تا شهریور می‌باشد (محمد الحسینی، ۱۳۸۹: ۱۰). در این منطقه بادهای زیادی در فصول مختلف می‌وزد که الحسینی به چند نمونه از آن‌ها اشاره کرده است:

- جریان مرکز فشار زیاد آسیای مرکزی در فصل زمستان که باعث سردی هوای استان می‌شود و بیشتر با ریزش برف همراه است

- جریان فشار زیاد اقیانوس در فصل تابستان که باعث بروز طوفان‌های گرد و خاک در منطقه می‌شود که به باد قبله نیز مشهور است.

- جریان اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه که در زمستان و اوایل بهار موجب ریزش برف و باران در منطقه می‌شود. علاوه بر موارد مذکور بادهایی هم در فصل بهار می‌وزد که موجب خشک شدن زمین می‌شود (محمدالحسینی، ۱۳۸۹: ۱۱).

آب و هوای معتدل و مناسب این منطقه همیشه مورد توجه پادشاهان بوده است و از قدیم‌الایام برای ییلاق از آن استفاده می‌کردند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۳۷). پوشش گیاهی این منطقه دارای استپ‌های آرتیمسا و آستراگالوس می‌باشد (اطلس ملی ایران، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۰). با توجه به این که روستای انجدان کوهستانی می‌باشد اکثر گیاهان کوهستانی مختص کوهپایه‌های زاگرس، علف‌های هرز جهت چرای گوسفندان، گون که از ریشه آن کتیرا می‌گیرند، آرونه و انواع روئیدنی‌های وحشی در این روستا وجود دارد. همچنین رویش گیاهانی چون سوسن‌بر، شمعدانی، اسطوقدوس، ابهل، عاقرقرجا در این منطقه به وفور دیده می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۲: ۲۷). از نظر تنوع درختی و میوه هم سرشار است و انواع میوه چون: بید تبریزی، صنوبر، ون، طاق، کنگر، کتیرا، ارزن، شن، انگورک، تنس، کوک، کیم، سیاه چوب، بادام، گردو، پسته وحشی، اقسام آلوها، چنار، توت، خرمالو، سیب، پسته و فندق دارد (دهگان، ۱۳۴۵: ۱۳۴).

ناصرالدین شاه نیز از پوشش گیاهی این منطقه با توصیف کوه‌های سرسبز انجدان که گل‌های میمون زرد، ولک، گل لاله، گل روغنی زرد لار پرده برداشته است (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۵۰). درختان مثمر این روستا گردو، هلو، آلبالو، انار، گلابی، سیب، انجیر و زردآلو بودند که در سرمای ۱۳۳۹ ش بیشتر این درخت‌ها از بین رفتند به ویژه درختان گردوی صدساله آسیب بیشتری دیدند. عمده غلات این منطقه هم گندم و جو می‌باشد (دهگان، ۱۳۴۵: ۱۳۴).

انجدان به دلیل شرایط مناسب محل زندگی پرندگانی مانند: بحری، بالابان، عقاب دریایی دم سفید و شاهین است که در زمستان مهاجرت زمستانی دارند (اطلس عمومی ایران، ۱۳۸۶: ۵۹-۵۲). انجدان از زیستگاه‌های مهم پستانداران و جزء مناطق استپی ایران است. پلنگ، آهو، روباه شنی، جبیر و پازن که نوعی گوزن می‌باشد در این منطقه تحت حفاظت محیط زیست قرار گرفته‌اند (اطلس عمومی ایران، ۱۳۸۶: ۵۹-۵۲). کاراکل، گورکن، کل، بز، قوچ و میش در جهت ایجاد تعادل اکوسیستم منطقه زندگی می‌کنند (استان‌شناسی مرکزی، ۱۳۹۲: ۹۰).

شکارگاه این منطقه در زمان مغول مورد توجه بوده است و به آن چغاناور می‌گفتند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۶). در زمان ناصرالدین شاه به شکارگاه اطراف انجدان «لته‌در» می‌گفتند که راهی صعب‌العبور داشت (ناصرالدین شاه،

۱۳۶۲: ۴۷). وجود این شکارگاه باعث شد تعداد زیادی از اعیان و اشراف به این منطقه سفر کنند و بخت خود را در شکار آزمایش نمایند از جمله ناصرالدوله بزرگ، شاهزاده ظل‌السلطان و خود ناصرالدین شاه که هر یک نام خود را به یادگار در کوه حک کرده‌اند (دهگان، ۱۳۴۵: ۱۳۲). به طور کلی روستای انجدان با داشتن آب و هوای معتدل دارای زیست بوم زیبایی بوده است که احتمالاً به دلیل شکار بی‌رویه و چرای بی‌رویه از مراتع تا حدودی از بین رفته است و از بعضی فقط خاطره‌ای مانده است.

(۱) کوه‌ها

روستای انجدان از سمت شمال، غرب و جنوب در میان سه رشته کوه محصور شده است در واقع فقط شمال غربی این روستا تا حدودی هموار می‌باشد که از جمله مهمترین آن‌ها کوه انجدان، سه طاقچه (وجود حالت پلکانی این کوه باعث نامگذاری سه طاقچه بر روی آن شده است)، سوراخ پلنگ (به واسطه غاری که در آن واقع شده و دهانه آن غار از دور نمایان است به این نام معروف شده است) و کوه سیدها (که به بخاطر دفن اموات سادات به این نام شهره گشته است) می‌باشد اما به نقل از ابراهیم دهگان کوه‌های دیگری چون کوه سینه زرد، کوه کاشناله، کوه نوکله، کوه گلداز کوتاه سنگ، کوه لاسوره، کوه بر آفتاب، زردکوه، دره چاه، کوه دره پیرا، دره آب سرد، کوه میلدشت، کوه چنار، کوه دره بید، کوه عمامه عمو رجب، کوه زرد بلنده، کوه چوئیر و کوه گدار چنار در بابا غلامعلی اطراف انجدان را در بر گرفته است (دهگان، ۱۳۴۵: ۱۳۴).

(۲) دشت‌ها

به نقل از دهگان معروف‌ترین دشت‌های انجدان عبارت‌اند از دشت چارباغ در محله میانی، دشت گودیه در محله بالا، دشت زیرجاوا، دشت بند بالا، دشت ساخت کمان یا چله کمان، دشت ماوی در محله پایین است (دهگان، ۱۳۴۵: ۱۳۵). این دشت‌ها برای مسافران و بادیه‌نشینانی پیرو امام نزاری که به قصد ارتباط با امام خود به این منطقه می‌آمدند بسیار حیاتی و مهم بوده است.

(۳) آبشار گوراستونی

گوراستونی یا گوراسونی نام یک آبشار مقطعی است در انجدان است. این آبشار که به صورت مقطعی در مواردی که بارندگی شدید رخ دهد آب از آن سرازیر می‌شود به علت ارتفاع زیاد و شکل خاص آن که به حالت قایم فرو می‌ریزد زیبایی کم‌نظیری دارد که اگر دایمی بود می‌توان گفت یکی از دیدنی‌های منحصر به فرد محسوب می‌شد. شاید در آینده بتوان با ذخیره آب آن در مواقع ریزش آب و گردش آن به وسیله پمپ آن را تبدیل به یکی از جاذبه‌های گردشگری نمود. علت تسمیه یا نامگذاری این آبشار به گوراستونی یا گوراسونی امیرزا جعفر پاکباز که سال‌ها امامت جماعت انجدان را به عهده داشتند و اهالی انجدان از علم و بیان ایشان بهره‌مند می‌شدند می‌گفتند.

گوراسونی یا گورآستونی مخفف گورآسان فرست است یعنی به علت صخره‌های عمودی و خطرناک آن اگر در عبور از آنجا غفلت صورت گیرد به آسانی انسان را به گورستان و قبرستان می‌فرستد. چنانچه راهرو کنار آن را هم راهرو کوله مرجان بعلت صعب‌العبور بودن آن می‌گویند.

ب) ویژگی‌های اقتصادی و مواصلاتی انجدان

فراهم شدن یک اقتصاد قوی و خودکفا برای هر روستا به شرایط و عوامل محیطی آن منطقه بستگی دارد که اصل این شرایط محیطی منابع آبی است. زندگی تمام موجودات زنده اعم از گیاه، حیوان و انسان به آب بستگی دارد و حیات در جایی ممکن است که آب وجود داشته باشد. روزانه تقریباً سه لیتر آب برای هر انسان بالغ از طریق غذا و نوشیدن لازم است (کردوانی، ۱۳۸۶: ۴۳/۱) و چون اکثر اجتماعات در کنار مخازن و شبکه توزیع آب شکل گرفته‌اند بنابراین محور بیشتر فعالیت‌های اقتصادی در هر روستا نیز آب می‌باشد بعد از آب، عنصری چون زمین قابل کشت و خاک مساعد برای کشت مطرح می‌شود که این شرایط مساعد برای انجدان وجود داشت.

اقتصاد این منطقه آمیزه‌ای از کشاورزی، باغداری و دامپروری است. با این روش هر کشاورز با کار در بخش کشاورزی، باغی در گوشه‌ای از زمین خود ایجاد کرده و با روش سنتی در کنار آن با نگهداری دام و طیور از گوشت و فراورده‌های شیری و کود حیوانی به دست آمده، استفاده لازم را می‌نماید. البته اکثر روستاهای کوهستانی دارای باغات میوه هستند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۱۴۴). محصولات آنها نیز مازاد بر مصرف خانوار بوده است و کمکی به تأمین معیشت می‌کرده است. یکی از ویژگی‌های عراق عجم و به خصوص از زمان قاجار به بعد رشد قالی‌بافی در این منطقه است قالی‌های منطقه فراهان و سارق شهرت جهانی دارند و این شغل برای مردان در آن مناطق تعریف شده است. در انجدان هم این هنر وجود داشت اما بیشتر از سوی زنان انتخاب می‌شد سابقه فرش‌بافی در میان مردان این روستا وجود ندارد. تا پیش از صفویه هنر فرش‌بافی مخصوص جامعه شبانی و عشایر بود اسلوب بافندگی و کاربرد آن شیوه طراحی منعکس‌کننده فرهنگ عشایر بود. نقش‌ها ساده و نیمه هندسی و مواد پشم گوسفندان محلی و رنگ نخ‌ها از درختان محلی انتخاب می‌شد. در عصر صفوی بنابر نیاز جامعه شهری و اشرافی‌گری دگرگونی‌هایی در هنر قالی‌بافی عشایری ایجاد گردید و حتی در یکی دو قرن اخیر پای استعمارگران انگلیسی، سوییسی و زیگلر به مناطق تبریز و اراک باز شد و به تأسیس کارگاه‌های متمرکز قالی‌بافی پرداختند (سیروس، ۱۳۵۹: ۴۸۸). در این زمان هم در همه خانه‌های انجدان دار قالی برپا بود و زنان از این طریق به معیشت خانواده کمک می‌رسانند. درباره زنان قالی‌باف و دار قالی‌ها در سفرنامه‌ها اشاراتی رفته است. طبیب مخصوص ناصرالدین شاه در این رابطه می‌نویسد: «تجارت‌خانه زیگلر بیشتر قالی‌های خود را از سلطان‌آباد خریداری می‌کرد. سلطان‌آباد از برکت چنین تجارتی به سرعت ترقی یافته است. اما استفاده از رنگ‌های جوهری شده که کار انگلیسی‌هاست باعث شده از قدر و قیمت قالی ایرانی کاسته شود.» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۶۱-۲۶۰).

ارتباط میان روستا و شهر یا قریه‌های دیگر، یکی از راه‌های توسعه یک منطقه می‌باشد به همین دلیل بررسی راه‌های ارتباطی اهمیت دارد. روستای انجدان به دلیل واقع شدن در فضای بسته و محصور در کوهستان از داشتن چنین راه ارتباطی محروم بوده است و یکی از دلایل انتخاب این منطقه برای رهبران اسماعیلیه شاید همین محصور و محدود بودن این منطقه بوده است. این روستا در جنوب شرقی اراک در مسیر راه عبوری اراک به خمین به مرکزیت امان‌آباد واقع شده است که از سمت شمال به دهستان معصومیه (شهو) و از سمت جنوب به شهر خمین از سمت غرب به شمس‌آباد و سه ده، از سمت شرق به مشک‌آباد و از سمت جنوب شرقی به محلات متصل می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۲). محصور بودن و در حاشیه قرار داشتن این روستا آن را به محیطی امن برای کسانی تبدیل می‌کرد که قصد پنهان شدن داشتند و در عین حال نزدیکی آن به راه‌های ارتباطی امتیازی به حساب می‌آمد و شاید یکی از دلایل انتخاب این منطقه از سوی امامان نزاری برای پایگاه و مقر موقعیت ارتباطی و کمینگاه بودن آن بوده است.

تحولات سیاسی انجدان در دوران اسلامی

بعد از شکست سپاه ساسانی در قادسیه توسط اعراب مسلمان سد دفاعی ایران برای اعراب شبه‌جزیره شکست و ابهت و عظمت ساسانی با تصرف تیسفون پایتخت پرآوازه آنان فرو ریخت همین امر موجب شد که اعراب برای فتح کامل ایران وارد مناطق مرکزی شده و تا دوران خلافت عثمان، بیشتر شهرها و ولایات مختلف را یکی پس از دیگری به جنگ یا صلح گشودند. اعراب مسلمان برای فتح مناطق جبال تلاش زیادی نمودند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۲۶). بعد از فتح نهاوند در سال ۲۰ هـ ق مردم دینور و همدان نیز بعد از کمی مقاومت بالاخره برای حفظ امنیت جانی خود با پرداخت جزیه از در صلح با مسلمانان برآمدند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۳۳-۴۳۱). صلح‌نامه‌هایی که در این زمان بین ایرانیان و اعراب بسته شده است اشاراتی به برخی از شهرها و روستاهای تابع آن منطقه شده است. ابن‌القفیه نویسنده البلدان در این زمان روستاهای تابع همدان را ۲۴ روستا اعلام کرده که نام ۱۲ تای آنها در صلح‌نامه مزبور آورده شده که به نام‌های فراهان، روده و ساوه نیز اشاره شده است (ابن‌القفیه، ۱۳۴۹: ۶۶-۶۵).

همان‌طور که پیشتر اشاره شد منطقه فراهان و روستای انجدان در طول تاریخ تابعیت‌های متعددی داشته‌اند؛ گاهی زیر مجموعه همدان و زمانی تحت نظر اصفهان، قم و کاشان بودند. بنابراین به ضرر قاطع نمی‌توان گفت که این روستا در این سده‌های زیر نظر کدام منطقه اداره می‌شده است.

با ورود خاندان شیعه مذهب اشعری به قم و خاندان ابودلف به کرج راه مهاجرت اعراب به مناطق جبال گشوده شد. موج دوم مهاجرت‌ها باعث مقیم شدن قبیله تیم در روستای طیره از روستاهای جی اصفهان، قبیله قیس در روستای انار و صیمره، قبیله عنزه در منطقه جاپلق از روستاهای اصفهان و برق رود شد (حموی، ۱۳۸۳: ۲/۲). سکونت قبایل مهاجر در مناطق مختلف اعتقادات دینی آنها نیز در این نواحی پراکنده شد. از طرف دیگر نیز در این

زمان دیلمیان پس از آشفستگی ایران و هجوم اعراب به غارتگری در مناطق جبال پرداخته بودند. اعراب مهاجر موفق شده بودند تا حدودی شورش‌های دیلمیان را سرکوب نمایند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۶۲).

اهالی فراهان و انجدان نیز برای دفاع از خود در برابر دیلمیان مهاجم، به اعراب مسلمان مهاجر پناهنده شدند ولی پس از مدتی، اختلافات مذهبی زمینه‌ساز درگیری میان ایرانیان زردشتی و اعراب مسلمان شد که در نهایت به برتری اعراب منجر گردید برای همین فراهان و دوراخر هم در تملک اعراب مهاجر درآمدند.

در زمان خلافت هارون الرشید منطقه کرج به عنوان اقطاع به خاندان عربی تبار ابودلف عجلی واگذار شد که با استقرار این خاندان، کرج مرکز حکمرانی خاندان مزبور قرار گرفت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۴۱) و به دلیل واقع شدن این منطقه در مسیر ارتباطی غرب و جنوب غربی به مرکز ایران و بالعکس نقش مهمی را پیدا کرد و مورد توجه مهاجران عرب قرار گرفت.

علت اهمیت خاندان عجلیان برای خلفای عباسی، نقش آنها در اداره منطقه کرج و اطراف آن و همچنین درگیری‌های مداوم این خاندان با طرفداران خرمدینان است. در سال ۱۵۸ هـ ق اسماعیلیان با خرمدینان مناطق چاپلق از توابع اصفهان متحد شدند (حموی، ۱۳۸۳: ۲/۲). در همین زمان در منطقه کرج ابودلف و برج نیز خرمدینان حضور داشتند و حامیان اسماعیلیان گردیدند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲/۲۹۷). آن چه اهمیت دارد این که نواحی کره و اطراف آن به عنوان مقر پایگاه خرمدینان بوده است. شاید یکی از دلایل گرایش مردم کره و اطراف آن به اسماعیلیه همین تمایلات خرمدینی بوده است و نقاط مشترک فکری اسماعیلیه با اندیشه خرمدینی باعث پیوستن آن‌ها به جرگه اسماعیلیه شده است (اشپولر، ۱۳۷۳: ۳۷۱). البته نکته‌ای که در این جا قابل تأمل است نوع متفاوت این دو می‌باشد اسماعیلیه به عنوان یک کیش و طریقت مذهبی مطرح می‌باشد اما خرمدینان صرفاً یک جنبش اجتماعی بودند تنها نقطه اشتراک آنان نارضایتی مردم از خلافت عباسی بود. با قدرت گرفتن دیلمیان و آل‌بویه در ایران مناطق جبال زیر سلطه آنان درآمد و این منطقه به دست مرداویش افتاد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲۷-۲۲۳). به روایت شفاهی محله دیلم‌آباد در انجدان روزگاری محل اقامت یکی از شاهزادگان دیلمی بوده است ولی در جنگی که سالیان دور حادث شده، این شاهزاده کشته می‌شود، به گفته اهالی محل جنگ شاه دیلم با دشمنانش به قتلگاه معروف است. با توجه به این روایت‌ها و وجود قلعه دیلمیان حضور عاملانی از سوی حاکمان دیلمی در این منطقه تا حدودی قطعی به نظر می‌رسد. به هر جهت اقتدار دیلمیان طولی نکشید که با قدرت یافتن سامانیان، امیران سامانی کرج و همدان را تحت سلطه خود گرفته و برای آنها حاکم و عامل خراج تعیین کردند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۰۸). پس از مرگ محمود غزنوی جانشین وی مسعود بارها به منطقه جبال لشگرکشی کرد که این منطقه را که اکنون در دست خاندان کاکویان بود به دست آورد ولی شکست خورد و مجدداً ناحیه اصفهان، گلپایگان به علاءالدوله رسید (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۶). روستائیان منطقه اصفهان و کرج قربانیان اصلی این درگیری‌ها و نزاع‌های سران قدرت بودند. مردم تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار داشتند و اگر آنان را در قیام‌های اجتماعی مانند خرمدینان و اسماعیلیه شرکت می‌کنند بیش از آن که دلیل مذهبی داشته باشد شعارهای اجتماعی و عدالت‌جویانه مورد توجه‌شان بوده است. در اوایل حکومت

سلجوقیان به دلیل دزدی‌ها، ناامنی و قحطی‌های مکرر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم ایران بسیار آشفته بود (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۳۴-۴۳۲). کرج و همدان هم در این دوران مورد تاخت‌وتاز فرماندهان نظامی ترکان سلجوقی قرار گرفتند (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۲۴-۲۲). در زمان ملکشاه جنگ سه روزه‌ای بین او و قاورد حاکم کرمان بر سر جبال رخ داد که پیروزی ملکشاه منجر به تسلط وی بر منطقه جبال گردید (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۰-۲۹). یکی از مسایل مهم در این دوره، اهمیت منطقه عراق عجم و قدرت‌نمایی حکومت‌ها برای تسلط بر این منطقه بود. برای همین این منطقه به ویژه بخش مرکزی آن، عرصه قتل و غارت‌های فراوانی شد. اواخر حکومت سلجوقیان مصادف با احیای خلافت عباسی و بروز اختلافات با فرماندهان نظامی خوارزمشاهیان بود (خلعتبری، ۱۳۸۱: ۲۴). نبرد میان تکش و طغرل سوم بر سر عراق عجم با پیروزی تکش و تسلط او بر همدان، کرج و نواحی اطراف شد. خوارزمشاه حکومت عراق عجم را به قتلغ اینانچ واگذار کرد و خود به خوارزم برگشت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱۵/۳۰). احیای خلافت عباسی برای خوارزمشاه اوضاع را پیچیده کرده بود درگیری اولیه بر سر تسلط بر عراق عجم بود به حدی که قتلغ اینانچ مجبور به ترک عراق عجم شد و پیگیری تکش برای بازپس‌گیری این منطقه نیز تأثیری نداشت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۲۵-۱۲۳). این نشان می‌دهد که خلیفه درصدد قدرت‌یابی مجدد است. برای این منظور، تصرف ایالات عراق عجم و غارت این مناطق تلاش اولیه وی برای احیای قدرت بود. ناصرالدین‌الله اداره حکومت ری، ساوه، قم، کاشان را در برابر اصفهان، زنجان، همدان و قزوین به گوکجه یکی از مملوکان ایلدگز واگذار کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲۳). سلطان محمد خوارزمشاه به جبال لشگرکشی کرد. زیرا خلیفه عباسی با خواندن نام وی در خطبه مخالفت کرده بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۲). امیر این منطقه با نام اغلمش که به نام سلطان در منطقه جبال خطبه خوانده بود به دست اسماعیلیان منطقه به قتل رسید (نسوی، ۱۳۸۴: ۲۱). سلطان محمد خوارزمشاه توانست مناطق اصفهان، قم و کاشان را تصرف کند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۱). راوندی نیز مسلط شدن سلطان خوارزمشاه بر ملک عراق عجم تأیید می‌نماید (راوندی، ۱۳۷۹: ۳۷۹)، ولی چون خوارزمشاه به ناگاه تصمیم به حمله بغداد را گرفت گرفتار سرمای همدان شد و عقب‌نشینی کرد (نسوی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). در زمان حمله مغول سلطان محمد خوارزمشاه قلعه فرزین را (به دلیل این که قبلاً هم به آن جا رفته بود) به عنوان پناهگاه برگزید. این قلعه در حوالی شهر کرج و در نزدیکی فرزین بوده و از نظر امنیتی بسیار مستحکم و جنبه تدافعی داشته است و به قول مستوفی حقوق دیوانی آن یک تومان و یک هزار دینار بوده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۹). علاوه بر راوندی (راوندی، ۱۳۶۴: ۴۸۴) مستوفی و جوینی (جوینی، ۱۳۷۵: ۱۱۵) جرفادقانی (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۷) نیز از پناهنده شدن سلطان محمد خوارزمشاه به این قلعه سخن رانده‌اند. سرزمین عراق عجم در دوره مورد بحث به دلیل موقعیت خاص جغرافیای سیاسی مورد توجه فرمانروایان قرار گرفت بنابراین می‌توان تصور کرد در درگیری و رقابت میان آنها در این مدت مردمان این سرزمین روی آرامش را به خود ندیده‌اند. تهاجم مغولان به ایران باعث دگروگونی نسبی در بافت قومی و جمعیتی ایران شد که کاهش جمعیت، مهاجرت‌های گسترده، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگی و زوال موقعیت اجتماعی

ملاکین، عالمان، بازرگانان، دیوان‌سالاران و خاندان‌های بانفوذ از مهمترین پیامدهای این هجوم بود (پطروشفسکی و نویسندگان، ۱۳۶۶: ۵).

ناحیه جبال و عراق عجم نیز از این وضعیت بی‌نصیب نماند. براساس گزارش رشیدالدین فضل‌الله همدانی بعد از تصرف شهرهای ری و قم مردان آنها را کشتند و فرزندان‌شان را به اسارت بردند (همدانی، ۱۳۷۴: ۳۸). علاوه بر آن ساوه، کاشان و عراق عجم نیز مورد قتل و غارت قرار گرفتند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۵۹). در واقع این منطقه نیز مانند کل کشور که در مقابل یک تهاجم سنگین قرار گرفته بود، همراه با از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی-کشاورزی بود. اسماعیلیان در این زمان به عنوان قدرت سیاسی و نظامی در ایران هنوز پابرجا بودند. و با ناامن کردن راه‌های بازرگانی رقیبی سرسخت برای مغولان بودند علاوه بر آن، مغولان نیز از ویرانی و غارت ابایی نداشتند و بیشترین درآمدشان از این راه بود برای همین در زمان حمله هولاکو ابتدا قلعه الموت مقر اصلی امامان نزاری گشوده شد (جویی، ۱۳۹۱: ۳۵۱) و سپس با تسخیر بغداد و کشتن خلیفه عباسی به حکومت خاندان عباسی پایان داد (همان، ۱۲۳).

پس از فروپاشی ایلخانان اداره بیشتر مناطق را به دست حکام محلی افتاد شهر قم نیز در دست خاندان صفی قرار گرفت (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۹) و حاکمیت عراق عجم به دست امیر سورغان افتاد (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۲۰۵). موقعیت جغرافیای سیاسی عراق عجم باعث درگیری و رقابت بر سر این منطقه و کشمکش‌های درون خاندانی شد علاوه بر آن همین موضوع بهانه‌ای به دست تیمور داد که به این منطقه لشگرکشی کند (ابن عربشاه، ۱۳۶۵: ۳۹). در این زمان عراق عجم، به ویژه منطقه فراهان و روستاهای اطراف آن، اهمیت بسیار زیادی یافته بود علت آن هم مهاجرت امامان نزاری به انجدان و احیای مجدد آنها پس از فروپاشی الموت بود. تیمور برای دستیابی به عراق عجم ابتدا به اصفهان لشگر کشید (ابن عربشاه، ۱۳۶۵: ۴۸). پس از قتل و غارت فراوان در اصفهان (تتوی، قزوینی؛ ۱۳۸۲: ۴۷۷۶) در راه بازگشت به گلپایگان رفت و شبانه خود را به انجدان رساند و دستور غارت انجدان را صادر کرد (شامی، ۱۳۶۳: ۱۳۶). میرخواند علت ترک ناگهانی اصفهان از سوی تیمور را حمله و غارت انجدان دانسته است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۱۱). پس از فروپاشی الموت جماعت اسماعیلیه این منطقه را که در بخش مرکزی ایران بوده است را به عنوان پایگاه اصلی خود انتخاب کرده بودند، زیرا از طرفی انجدان به دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی پناهگاه خوبی برای آنان محسوب می‌شد و از سوی دیگر به مریدان خود در شرق (هند) و در غرب (شام) نزدیک می‌شدند و در واقع لشگرکشی تیمور به انجدان دومین سانحه تاریخی پس از سقوط و فروپاشی الموت برای فرقه اسماعیلیه بوده است چرا که تیمور می‌خواست به حیات سیاسی و اجتماعی آنها خاتمه داده و همه آنها را از میان ببرد این حادثه در زمان اسلام‌شاه که از سال ۷۷۱ تا ۸۲۸ هـ.ق امام نزاری بوده اتفاق افتاده است (چنارا، ۱۳۲۴: ۳۱۲). به هنگام حمله تیمور به انجدان، اهالی این روستا برای نجات خود و با راهنمایی امام نزاری به سوی نقیب‌هایی بود که در این روستا از گذشته‌های دور تعبیه شده بودند؛ متواری گردیدند اما سپاهیان تیمور هفت چشمه انجدان به درون نقیب‌ها انداختند و عده زیادی کشته شدند (یزدی، بی‌تا: ۶۲۱). تیمور شب را در انجدان ماند و روز برای شکار به صحرای فراهان رفت (میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۱۲). دهگان علت یورش تیمور را رسیدن شکایات

از چندین ولایات متعدد به دربار تیموری از تجاوز سرنشینان مسند انجدان، همچنین افزایش تعداد اسماعیلیان در این منطقه و تشکیلات منسجم آنان در عراق عجم دانسته است. وی معتقد بود که مردم همجوار از اسماعیلیان ناراضی بوده و به همین جهت از تیمور تقاضای یاری کردند (دهگان، ۱۳۴: ۴۸). بدون شک در این زمان فعالیت نزاریان انجدان چنان چشمگیر بوده است که چنین لشگرکشی را توجیه می‌کند و دلیل اصلی یورش تیمور همان افزایش روزافزون طرفداران این فرقه در منطقه و داشتن تشکیلاتی مدون در عراق عجم بوده است (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۲۸). تیمور با این اقدام در واقع می‌خواست جرأت هرگونه مقابله‌ای را در برابر خودش بگیرد و از حامیان اسماعیلیه زهر چشم بستاند. ولی با توجه به خوی قتل و غارت تیمور و اعتقاد او به فقه حنفی و همچنین تمایلات شیعی او به نظر می‌رسد هدف تیمور کسب مشروعیت مذهبی در بین علمای اهل سنت و حتی علمای شیعی بوده است. اصولاً مذهب برای تیمور دستاویزی برای رسیدن به اهدافش بوده و سرکوب اسماعیلیان انجدان ربطی به درخواست‌های مردم نداشته است. سست شدن اعتقادات مذهبی در این دوره به این هدف تیمور یاری رساند. هدف تیمور سعی در استفاده از پتانسیل شیعه در جهت اهداف سیاسی خود بود اختلاف مباحث عقلایی میان گروه‌های مذهبی اهل سنت باعث خستگی فکری مردم شده بود که نتیجه این امر گرایش عده زیادی به عرفان و از عرفان به سوی تصوف شده بود. گسترش خانقاه و تصوف باعث بی‌ارزش شدن علم و بی‌توجهی به مراکز فرهنگی شد و توجه و اعتقاد به جبر و افکار صوفی‌گری نوعی بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی را نسبت به حوادث پیرامون ایجاد کرد اما به تدریج این صوفیان به دخالت در سیاست پرداخته و تلاش برای به دست گرفتن قدرت سیاسی را آغاز کردند تلاشی که به شکل‌گیری دولت صفویه انجامید. پس از مرگ تیمور مانند زمان فروپاشی ایلخانان مجدداً ایران تجزیه شد و هر قسمتی به دست خاندانی اداره شد هر چند شاهرخ جانشین تیمور بود و عده زیادی به برتری حکومت وی معترف بودند اما در بسیاری از مناطق اداره شهرها به دست حکام محلی افتاد. در زمان حاکمیت ترکمانان، منطقه عراق عجم مدتی در دست جهان‌شاه قراقویونلو افتاد (طهرانی، ۱۳۵۶: ۴۴۵). با تضعف قراقویونلوها، آق‌قویونلوها قدرت یافتند اما حاکمیت آنها نیز در غارتگری خلاصه می‌شد. درگیری میان حکام محلی تیموری با حاکمیت ترکمانان و کشتار شاهزادگان آق‌قویونلو به نفع شاه‌اسماعیل و خاندان صفویه خاتمه یافت. صوفیان با تکیه بر نیروی قزلباش از این اختلافات درون خاندانی سود جسته و موفق به بیرون کردن آنها از ایران شدند.

کوچ امامان نزاری به انجدان

کوچ امامان نزاری به انجدان فصل نوینی برای اسماعیلیان بوده است. علل انتخاب انجدان در این زمان به عنوان مقر حکومت به شرایط جغرافیایی و طبیعی این منطقه باز می‌گردد. گسترش اندیشه‌های نزاری در انجدان و سایر روستاهای اطراف و رفت و آمدهای کاروان‌های تجاری که زائران امام نزاری را در خود جای می‌دادند، باعث رونق اقتصادی این منطقه و تأثیرات فرهنگی بی‌شماری گردید.

انتخاب انجدان به عنوان پایگاه امامان نزاری دلایل متعددی داشت: تبریز مکانی که بعد از سقوط الموت پذیرای امام شمس‌الدین و چند جانشین وی شد، مورد توجه مغولان قرار گرفت. تسامح مذهبی مغولان باعث شد که امام اسماعیلی در آرامش زندگی کند و به تدریج امامان نزاری ساکن در تبریز به این نتیجه رسیدند که باید در مکانی زندگی کنند که به شهرهای شیعه‌نشین نزدیک باشند تا پایگاه عقیدتی مشترکی با شیعیان امامیه داشته باشند. در واقع در عصر صفویه آنان با این روش می‌توانستند خود را به شیعه امامیه مورد تبلیغ صفویه نزدیک کنند و از خطر اتهام به اسماعیلی بودن بگریزند (معزی، ۱۳۷۲: ۲۳۸). از طرفی این موضوع باعث شد که در جست‌وجوی مکان‌های جدیدی باشند که به الموت هم شباهت داشته باشد؛ برای رسیدن به این هدف، انجدان را برای کوچیدن برگزیدند. پس از شمس‌الدین محمد پسرش قاسم‌شاه و پس از او احمد با عنوان اسلام‌شاه به امامت رسید. پس از اسلام‌شاه، علی‌شاه ملقب به مستنصر بالله دوم به امامت رسید (حسینی، ۱۳۴۲: ۴۲). نیمه قرن نهم هجری یعنی در دوره امامت مستنصر بالله دوم مذهب نزاری در حمایت از فرقه تصوف و در قالب آنان ظاهر شد. وی با انتخاب نام شاه‌قلندر با طریقت نعمت‌اللهیه همراه شد (دفتری، ۱۳۸۵: ۵۳۰). خیرخواه هراتی نویسنده «تصنیفات خیرخواه هراتی» به طور واضح از مستنصر بالله به عنوان امام دوران خودش یاد کرده است. او به منطقه انجدان اشاره کرده که از آستانه به سوی محلات رفته است (هراتی، ۱۳۳۹: ۵۲). خیرخواه همچنین از مکتب‌خانه‌ای یاد کرده که امام شب‌ها در بالای آن استراحت و روزها سران اسماعیلیه را به حضور می‌پذیرفته است (هراتی، ۱۳۳۹: ۴۵). مریدان احتمالاً در کاروانسرای در نزدیکی انجدان و یا داخل انجدان اقامت می‌کردند آنان اکثراً در لباس بازرگانان سفر می‌نمودند. کاهش قدرت امامان نزاری پس از الموت و شکل‌گیری دوره ستر مجدد، باعث از هم‌گسیختگی ارتباط میان پیروان و امامان شد برای همین ائمه انجدان توانستند این از هم‌گسیختگی را از بین برده و تشکیلات مذهبی را مجدداً احیا و انسجام ببخشند و قدرت خود را سازمان‌دهی کنند به همین جهت دوره انجدان به دوره احیای اسماعیلیه نیز معروف است در دوران ستر امامان اسماعیلیه اغلب پیران محلی عهده‌دار وجوهات مریدان اسماعیلیه در مناطق مختلف بودند و به همین جهت تعدادی از آنها به استقلال مالی رسیده بودند برای همین امامان اسماعیلیه انجدان بیشتر کوشش خود را صرف تضعیف مقام این پیران محلی نمودند تا قدرت از دست رفته ایشان را در مناطق دور دست مجدداً به دست آورند و برای همین مستنصر بالله دوم با فرستادن داعیان مورد اعتمادش به نقاط مختلف اقدام کرد و این کار توسط جانشینانش نیز تکرار شد (دفتری، ۱۳۸۵: ۵۳). به احتمال یکی از دلایل ذهنیت شکل‌گیری فرقه مومن شاهی نیز همین عامل بوده است. موقعیت جغرافیایی انجدان نیز عاملی برای سهولت این کار برای امامان نزاری فراهم آورده بود چون این منطقه کمتر مورد توجه فرمانروایان بود و از این جهت برای آرامش پیروان شرایط مناسبی را ایجاد کرده بود. آقاخان محلاتی در کتاب «عبرت افزا» به آمدن امامان نزاری و در واقع اجدادش به انجدان اشاره نکرده است، دلیل آن نیز شاید همان کشتارهایی که در زمان تیمور و محمود افغان به این ناحیه شده است باشد (محلاتی، ۱۳۲۵: ۱۲). هر چند که منابع شفاهی و سنگی حاکی از آن است که حضور امامان اسماعیلیه از زمان شاه قلندر مستنصر بالله دوم است اما احتمال می‌رود از زمان اسلام‌شاه امامان نزاری تصمیم به تغییر مقر اقامت گرفته

باشند سفرهای متعدد اسلام‌شاه و حمله تیمور به این ناحیه در این زمان این فرضیه را تقویت می‌کند. عبدالسلام‌شاه امام بعدی که به نقل از مصطفی غالب نویسنده اسماعیلی مذهب سوری عبدالسلام‌شاه ترتیبات جدیدی برای نظم بخشیدن به دعوت و وظایف دینی اتخاذ کرد و برای این منظور داعی‌الدعات یا حجت را نماینده خود در میان پیروانش قرار داد که این نماینده از طرف او حق تصرف اموال برای رسیدگی به امور عمرانی و مسائل دینی و شرعی را داشت. عبدالسلام‌شاه عالم و شاعر بود حوزه علمیه تأسیس کرد که در آن جا مکتب اسماعیلیه و آثار نویسندگان و کتاب‌هایی چون مدائن اسرار که مباحثی در مورد اسرار بود تدریس می‌شد و کتاب عقاید اسماعیلیه و دیوان شعری که قصیده نام داشت نیز در این زمان نوشته شد (غالب، ۱۹۶۴: ۳۳۵-۳۳۴). نوشته‌ای با نام رساله «الحزن» به امام عبدالسلام‌شاه نسبت داده شده است. متأسفانه از این رساله جز نقل قولی که در کتاب صراط المستقیم از آن شده است چیزی در دست نیست. (ویرانی، بی‌تا: ۱۰۴). پس از عبدالسلام‌شاه غریب میرزا جانشین وی شد همزمان با به قدرت رسیدن غریب میرزا درگیری میان سلطان یعقوب و قدرت یافتن سلطان خلیل ترکمان است. به دنبال آن قبایل ترکمان بیشتر سرزمین‌ها را غارت کردند. اسماعیلیان ساکن در محلات و کاشان به دستور غریب میرزا حق دخالت در این درگیری‌های سیاسی را نداشتند و نورالدین پسر غریب میرزا از طرف پدر موظف بود که منازل و خانقاه‌هایی برای زائران اسماعیلی و پیروانش در منطقه ایجاد کند به همین دلیل نام این خانقاه‌ها را نورآباد بود (غالب، ۱۹۶۴: ۳۳۲). ایوانف به نقل از گلزار شمس در کتاب «آثار محمدی» نورالدین را برادر غریب میرزا می‌داند (ایوانف، ۱۹۳۸: ۲۷۰). این قلاع و خانقاه‌ها خانه درویشان بود و برای مدتی حتی خاک نورآباد از نظر جماعت اسماعیلیه متبرک بود و آن را توتیای چشم می‌کردند. تا این که شخصی به نام عبدالرحمان علیه اسماعیلیان قیام کرد و بعد از زد و خورد مقدماتی نورالدین را از پای درآورد. این واقعه در سال ۹۵۷هـ.ق در انجدان رخ داده است و با وساطت همسر نورالدین ماجرا خاتمه یافت و او شوهرش را از فدائیان تهماسبی وانمود کرده که در راه شاه صفوی کشته شده است و خود را طرفدار شاه صفوی و فرزندان آنها معرفی کرده است (محلّاتی، ۱۳۱۰: ۱۵۲). با استناد به این مطلب می‌توان فهمید که غریب میرزا زندگی درویش گونه‌ای داشته است و مریدان زیادی اطرافش بودند و روزبه‌روز این مذهب ترقی می‌کرد ولی در عین حال ملاحظه دولت مرکزی را داشته و کاری نمی‌کرده که باعث جلب توجه آنان شود. قبل از شاه غریب نیز مریدان زیادی از هندوستان برای دیدار امامان نزاری می‌آمدند اما در زمان شاه غریب جماعت بیشتری به آنها پیوسته و با قافله‌های بزرگ‌تری راه انجدان را می‌پیمودند و به دیدار امام خود نائل می‌شدند و با فریادهای شادمانه امام خود را طلب می‌نمودند (غالب، ۱۹۶۴: ۴۹۱). در زمان ابوذر علی جانشین غریب میرزا که همزمان با تأسیس سلسله صفویه بود با تلاش‌های امامان نزاری در بیشتر مناطق ایران به خصوص دشت فراهان شیعه رواج یافته بود و شاید یکی از دلایل رسمی‌کردن مذهب تشیع از سوی شاه‌اسماعیل همین نفوذ شیعه‌گری در بیشتر مناطق ایران به خصوص مناطق مرکزی بود. با تأسیس دولت صفوی به ظاهر دوران فترت برای رهبران اسماعیلیه به پایان رسیده بود و تصور می‌کردند که در سایه یک دولت شیعه بتوانند در آرامش زندگی کنند و به فعالیت‌های مذهبی خود و تبلیغ مذهب نزاری بپردازند و از این جهت هیچ مشکل یا دغدغه‌ای

نداشته باشند. اما صفویان سیاست مذهبی متعصبانه‌ای در پیش گرفتند و هدف خود را سرکوب هر نوع حرکت و گرایش‌های دینی غیر از اثنی‌عشری قرار دادند و با آوردن تعدادی از متکلمان شیعه از شام سعی داشتند تا ایدئولوژی شیعه اثنی‌عشری را تقویت کنند و به دنبال آن هر نوع حرکتی غیر از این ایدئولوژی را سرکوب نمایند (دفتری، ۱۳۸۵: ۵۳۶). برای همین ازدواج‌های سیاسی راه حلی برای تأمین امنیت و نظم در سرزمین‌های تابع بود و استفاده از نفوذ اسماعیلیان در آغاز شکل‌گیری حکومت می‌توانست نقش مهمی در تثبیت حکومت آنان باشد از طرفی نیز چون ابتدا هدفشان سرکوب نیروهای سنی بود سعی کردند از تمامی نیروهای شیعه در هر سلک و گرایشی برای تقویت دولت خود سود بجويند. ازدواج ابوذر شاه با صابره خاتون خواهر شاه‌تهماسب هم به همین منظور صورت گرفت (غالب، ۱۹۶۴: ۴۹۱). پس از تثبیت قدرت شاهان صفوی و سرکوب اهل سنت که به نوعی دشمن مشترک همه شیعیان بود آنها متوجه قدرت روز افزون امامان اسماعیلیه و تعداد بی‌شمار پیروان آنان شدند قدرت مالی این امامان و از طرفی بیان مسئله امامت از سوی آنان باعث ضعف ریاست سیاسی مذهبی شاهان صفوی می‌شد برای همین با آنان نیز مانند فرق متعدد صوفی سیاست سرکوب را در پیش گرفتند. در زمان مراد میرزا جانشین ابوذرشاه؛ شاه‌تهماسب از محبوبیت مراد میرزا (خواهرزاده‌اش) و افزایش روزافزون پیروان او به وحشت افتاده بود به دنبال بهانه‌ای برای سرکوب وی و هوادارانش بود برای همین با این بهانه که مناطق کاشان و روستاهای اطراف آن من جمله انجدان دارای اندیشه‌های نقطویه هستند با فرستادن امیرخان موصولو، حاکم همدان به انجدان و بدیع‌الزمان به کاشان درصدد سرکوب آنها برآمد و عده زیادی از مردم این منطقه را دستگیر کردند (تتوی - قزوینی، ۱۳۸۲: ۵۸۸۳). شاه‌تهماسب برای سرکوب این رهبران علاوه بر وحشت از قدرت سیاسی آنان از قدرت اقتصادی و عشریه‌های فراوانی که به این رهبران می‌رسید و توان اقتصادی آنها را افزایش می‌داد؛ نیز هراسناک بود (حسنی قمی، ۱۳۵۹: ۵۸۲). طبعاً قدرت اقتصادی توان و قدرت سیاسی و نظامی را نیز افزایش خواهد داد همین مسئله حسادت شاه‌تهماسب را نسبت به مراد میرزا برانگیخت. مراد میرزا از جمله امامان اسماعیلیه است که به مناطق مختلف سفر می‌کرد و چون از نزدیکان صفویه به شمار می‌رفت اجازه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را نیز داشت (قاضی حسینی، ۱۳۸۳: ۵۸۲). از نظر علمی نیز به مانند گذشته از سیاست تعلیمی الموت و دوره فاطمی الگو گرفت و با تأسیس مدارس و همچنین اجازه نقد به کتب فلسفی و علمی کمک زیادی به گشایش علم و حرکت‌های تعلیمی داشت (غالب، ۱۹۶۴: ۴۱۲). مراد میرزا پس از دستگیری با کمک یکی از پیروانش از زندان گریخت و به سوی قندهار متواری شد نیروهای امنیتی تهماسب پس از چهار ماه تلاش موفق به دستگیری مجدد وی شدند. شاه‌تهماسب تمامی کسانی که در فراری دادن وی نقش داشتند را دستگیر و به همراه مراد به قتل رساند (حسنی قمی، ۱۳۵۹: ۵۸۴). همزمان با به قدرت رسیدن شاه‌عباس، ذوالفقار علی - معروف به شاه‌خلیل اول - جانشین مرادشاه، امامت نزاریان را بر عهده داشت و انجدان همچنان مرکز بسیار پراهمیت برای اسماعیلیان بود و مریدان بی‌شماری از هند و افغانستان برای دیدن مقتدای خود به ایران و انجدان می‌آمدند و قافله‌های پی‌درپی در کنار خانقاه نورآباد برای دیدن امام خود اتراق می‌کردند در این زمان شاه‌عباس سیاست سرکوب در برابر طریقت‌های صوفی در پیش گرفته بود و حتی تعداد

زیادی از صوفیان و قزلباش‌ها را به قتل رساند اما با نزاریان انجدان و طریقت نعمت‌اللهیه رفتار دوستانه‌ای برقرار کرد. برای همین امامان نزاری به راحتی در انظار ظاهر می‌شدند (دفتری، ۱۳۸۵: ۵۳۸). ازدواج‌های سیاسی، حربه کنترل از راه دور شاهان صفوی بود به همین جهت شاه‌خلیل‌الله اول با مریم سلطان بیگم خواهر شاه‌اسماعیل دوم و خانم خانم خواهر شاه‌عباس با شاه‌نعمت‌الله ازدواج کرد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۲۲۸). کتیبه‌ای در موزه چهار فصل اراک نگهداری می‌شود که این کتیبه از شاه‌عباس اول مبنی بر چگونگی شرایط اخذ مالیات از اهالی روستای انجدان است. کتیبه سنگی است به طول یک و نیم متر و عرض بیش از هفتاد و پنج سانتی‌تر که مشتمل بر فرمان شاه‌عباس به عنوان شاه‌خلیل‌الله در موضوع واگذاری یک دوازدهم از مالیات‌های قریه انجدان به مردم شیعه مذهب آن سامان بر سنگ مزبور حکاکی شده است. در دره هفتاد قله و مناطق اطراف انجدان نیز سنگ نوشته‌های متعددی از امامان نزاری و پیروان آنان وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها منسوب به شاه‌خلیل اول است. این سنگ نوشته در کوه سوراخ پلنگ قرار دارد و در روی آن این شعر حکاکی شده است:

در روز و شب است ذکر من نادعلی	یا رب نشود خلیل اندر دو جهان
غافل زمانی از یاد علی	محتاج بجز علی و و اولاد علی

نورالدهرعلی‌شاه، سی هشتمین امام نزاری انجدان، نیز به مانند اسلاف خود تلاش زیادی برای رشد علمی پیروان خود در منطقه انجدان و نواحی تابع انجام داد. معروف است که در خانه خود کتابخانه‌ای عظیم داشته است که کتب زیادی در مورد فلسفه، ادبیات، فقه و اجتماع در آن نگهداری می‌شد. همچنین سر و سامان دادن به حوزه علمیه انجدان و سازماندهی کردن فعالیت‌های داعیان از دیگر اقدامات وی بوده است (غالب، ۱۹۶۴: ۵۷۵). شاه‌خلیل دوم جانشین علی‌شاه برای سر و سامان دادن به اوضاع مریدانش در مناطق مختلف تلاش‌های زیادی کرد (غالب، ۱۹۶۵: ۳۱۵). و برای این منظور حجتی به نام داهودالحسینی را روانه هندوستان کرد که وی نقش اساسی در آگاهی پیروان اسماعیلیه در هند داشته است (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۲). وی همچنین از داعیان و حجتان و سلسله مراتب سازمانی خواست که با پوشش سبز و سربند قرمز در جامعه حضور یابند (غالب، ۱۹۶۵: ۳۱۵) و این نشان می‌دهد که در زمان امامان نزاری انجدان تقیه معنایی نداشته است. به اعتقاد اهالی شرف نساء بیگم همسر شاه‌خلیل دوم بوده است که بنای شرفه و یا کاخ شرفه که هم اکنون یک طاق کوچک از آن باقی مانده؛ برای وی ساخته شده است. شاه‌خلیل دوم براساس تاریخ سنگ قبرش در سال ۱۰۹۰هـ ق در انجدان درگذشت. سنگ قبر وی در دیواره‌ای آرامگاه شاه غریب بوده است که هم اکنون در موزه چهار فصل اراک نگهداری می‌شود. شاه نزار پس از درگذشت پدرش شاه‌خلیل به مسند امامت رسید. نام وی عطا بوده و به دلیل گوشه‌نشینی و سکونت در خفا به نزار معروف شده است (شاه حسینی، ۱۳۴۱: ۴۳). شروع امامت وی مصادف با پایان دوره امامان نزاری انجدان است. و انتقال مقر استقرار از انجدان به کهک در زمان شاه نزار صورت گرفت. به نظر می‌رسد شاه نزار به اجبار به کهک نقل مکان کرده باشد (هالیستر، ۱۳۷۳: ۳۷۲).

۱۰۰ □ کوچ امامان اسماعیلی از الموت به انجدان در قرن‌های ۹ و ۱۰ هجری / فروش و خورشیدی

ائمه نزاری در انجدان

ردیف	نام و شهرت ائمه انجدان	تاریخ تولد	تاریخ وفات	مدت امامت	توضیحات
۱	علی‌شاه سی و دومین امام نزاری المستنصر بالله دوم معروف به شاه‌قلندر	نامعلوم	۸۸۰ هـ.ق	۸۶۵-۸۸۰ هـ.ق	- تاریخ درگذشت از روی صندوق چوبی که بر سر قبر امام حک شده است مشهود است. - مؤلف کتاب پندیات جوانمردی - مقبره در انجدان
۲	محمود معروف به عبدالسلام‌شاه	۸۱۴ هـ.ق	۸۹۹ هـ.ق	۸۸۰-۸۹۹ هـ.ق	هیچ سنگ قبری از وی در انجدان یافت نشده است و به احتمال جایی به جز انجدان از دنیا رفته است.
۳	عباس المستنصر بالله سوم معروف به شاه غریب میرزا	نامعلوم	۹۰۲ هـ.ق	۸۹۹-۹۰۲ هـ.ق	آرامگاه در انجدان واقع است و سبک معماری صفوی در آن کاملاً مشهود است.
۴	ابوذر علی معروف به ابوذرشاه (شهر بابک)	۸۷۲ هـ.ق	۹۰۴ هـ.ق	۹۰۲-۹۰۴ هـ.ق	همزمان با روی کار آمدن صفویان سنگ قبر وی در انجدان یافت نشد. امری شیرازی در رئای وی قصیده‌ای سروده است.
۵	مراد میرزا معروف به شاه‌مراد ملقب به امیرالامرای از سوی شاه‌تیماسب	۸۸۴ هـ.ق	۹۲۰ هـ.ق	۹۰۴-۹۲۰ هـ.ق	- خواهرزاده شاه‌تیماسب - حمله شاه‌تیماسب به انجدان
۶	ذوالفقار علی معروف به شاه‌خلیل‌الله اول	۸۶۷ هـ.ق	۹۲۲ هـ.ق	۹۲۰-۹۲۲ هـ.ق	- ازدواج با مریم بیگم خواهر شاه‌اسماعیل دوم - وجود سنگ نوشته‌های متعدد از پیروان شاه‌خلیل در اطراف انجدان
۷	نورالدهر علی معروف به نورالدین علی‌شاه	۸۹۳ هـ.ق	۹۵۷ هـ.ق	۹۲۲-۹۵۷ هـ.ق	- بنای کتابخانه انجدان - تقویت حوزه علمیه انجدان
۸	علی معروف به شاه‌خلیل دوم	۹۲۲ هـ.ق	۹۷۲ هـ.ق	۹۵۷-۹۷۲ هـ.ق	بنای شرفه و حسینی و مسجد معروف انجدان علیا از بناهای معروف شاه‌خلیل دوم است

نتیجه‌گیری

انتخاب روستای انجدان به عنوان مقر امامت به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی بسیار مناسب بود. این روستا، به دور از چشم دشمنان، دارای ویژگی‌های طبیعی خاص مانند محصور بودن در میان کوه‌ها، وجود غارهای متعدد به عنوان گریزگاه، دور بودن از مراکز قدرت مانند تبریز و قزوین، نزدیک بودن به مراکز شیعه‌نشینی چون قم و کاشان و همچنین دارای موقعیت مرکزی بود. علاوه بر آن نزدیک بودن به راه‌های تجاری امکان رفت‌وآمد داعیان و پیروان اسماعیلیه در پوشش بازرگان فراهم می‌کرد. آمادگی فکری مردم این ناحیه و همچنین تمایلات دگراندیشانه امرای ابودلفی کرج که با افکار جدید تسامح مذهبی داشتند در جذب امامان نزاری بی‌تأثیر نبود. روستایی بودن این منطقه و نیز افزایش نارضایتی کشاورزان از ظلم و ستم اقطاع‌داران و خرده‌مالکان که زمینه اجتماعی گرایش آنها به فعالیت‌های مساوات‌طلبانه و مبارزات ضد‌دستگاه حکومتی را مهیا می‌ساخت. در واقع

انجدان منطقه شناخته شده‌ای برای امامان نزاری بود، زیرا به هنگام دعوت نخستین اسماعیلیه مکان و اطراف آن از اولین پایگاه‌های عقیدتی این مذهب بود. به عبارت دیگر امامان اسماعیلیه به نقطه شروع فعالیت داعیان‌شان در ایران بازگشتند و این منطقه به طور اتفاقی انتخاب نشده بود. موقعیت مرکزی بودن و دور بودن این روستا از مقر دولت‌های بزرگ سنی مانند تیموریان و آق‌قویونلوها نیز در این انتخاب بی‌تأثیر نبود. از سوی دیگر این مکان کم جمعیت بود و تا حدی توسط قبایل غارتگر چادرنشین اشغال شده بود. این مسئله برای اقامت کسانی که تمایل به زندگی دور از جنجال داشتند، مناسب بود. سکونت نزدیک به دو قرن امامان نزاری در روستای انجدان، تأثیر زیادی در فرهنگ این مردم داشته است. مراسم تعزیه، نخل و عَلم‌گردانی انجدان، از یادگارهای حضور امامان نزاری در این روستاست. وجود مراکز آموزشی، چون حوزه علمیه و مکتب‌خانه در آن زمان را باید از عوامل مؤثر در ارتقای سطح فرهنگی این مردم دانست. این تأثیرات نه فقط در انجدان بلکه در منطقه عراق عجم و به خصوص فراهان کاملاً مشهود و آشکار است، چنانچه نتایج این آموزش و سازمان تعلیمی مدون امامان نزاری منجر به پرورش و رشد خاندان‌های بزرگی در این خطه شد؛ خاندان‌های مستوفی، آشتیانی، فراهانی، قائم‌مقامی و... به طور قطع و یقین تأکید نزاریان بر مباحث عقلی و تعابیر باطنی‌گری در پرداختن به علم‌آموزی آنان بی‌تأثیر نبوده است. امروزه کمتر روستایی انجدانی را می‌توان یافت که شعری از حفظ نداشته باشد؛ افراد تحصیلکرده این روستا نیز در دوره‌های مختلف از شخصیت‌های برجسته بوده‌اند.



نقشه ماهواره‌ای استان مرکزی و منطقه انجدان

منابع

الف) فارسی

کتاب

- استرویو الودمیلا، ولادیمیرونا (۱۳۷۱). *تاریخ اسماعیلیان*. ترجمه احمد کسروی. تهران: نشر اشاره.
- باسانی، آ و دیگران (۱۳۹۱). *تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*. تهران: امیرکبیر.
- بناکتی، داوود بن تاج‌الدینی (۱۳۴۸). *تاریخ بناکتی*. به کوشش جعفر شعار. تهران: نشر انجمن آثار ملی.
- تامر، عارف (۱۹۶۵). *الامامه فی الاسلام*. بیروت: بی‌نا.
- جمال، نادیه (۱۳۸۲). *بقای بعد از مغول*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: چاپ و نشر پژوهش فرزانه.
- جوینی، عطاملک بن بهاء‌الدین محمد بن محمد (۱۳۹۱). *تاریخ جوینی*. نگارش منصور ثروت. تهران: امیرکبیر.
- خراسانی فدایی، محمد بن زین‌العابدین (۱۳۶۲). *تاریخ اسماعیلیه یا هدایه المومنین الطالبین*. به اهتمام الکساندر سیمونوف. تهران: اساطیر.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۵). *تاریخ عقاید اسماعیلیه*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: نشر و پژوهش فرزانه.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۳). *تاریخ سنت‌های اسماعیلیه*. تهران: نشر و پژوهش فرزانه.
- سعیدزاده، سیدمحسن (۱۳۶۹). *بزرگان قاین*. تهران: بی‌نا.
- شاه‌حسینی، سید شهاب‌الدین (۱۳۴۱). *خطابات عالیّه*. مصحح هوشنگ اجاقی. تهران: انجمن اسماعیلی.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). *مجالس المؤمنین*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- صابری، حسین (۱۳۸۴). *تاریخ فرق اسلامی*. ۲ جلد. تهران: سمت.
- غالب، مصطفی (۱۹۶۴). *اعلام الاسماعیلیه*. بیروت: نشر دارالیقظه العربیه.
- غالب، مصطفی (۱۹۶۵). *تاریخ الدعوه الاسماعیلیه منذ اقدم العصور حتی عصرنا الحاضر*. بیروت: دارالاندلس.
- فرقانی، محمد فاروق (۱۳۸۳). *اسماعیلیان قهستان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قزوینی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۸۵). *نقص معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض*. تصحیح میر جلال‌الدین محدث. تهران: چاپخانه زر.
- قهستانی، ابواسحاق (۱۳۳۶). *هفت باب ابواسحاق*. به کوشش ایوانف. تهران: چاپخانه حیدری.
- لوئیس، برنارد (۱۳۶۲). *تاریخ اسماعیلیان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: طوس.
- معزی، مریم (۱۳۹۵). *تاریخ اسماعیلیه بدخشان*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- معصوم شیرازی، محمد (۱۳۴۵). *طرائق الحقایق*. تصحیح محمدجعفر محجوب. تهران: کتابفروشی باران.
- میرخواند، سید برهان‌الدین (۱۳۳۹). *تاریخ روضه‌الصفاء*. تهران: چاپ پیروزی.

فصلنامه علمی تحقیقات تاریخ ایران دوره اسلامی - سال دوم، شماره اول (پیاپی ۳)، بهار ۱۴۰۴ □ ۱۰۳

هاجسن، مارشال (۱۳۶۹). *فرقه اسماعیلیه*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

هدایت، رضاقلی خان امیرالشعراء (۱۳۴۴). *انجمن آرای ناصری*. تهران: دارالخلافت چاپ سنگی.

پایان‌نامه

معزی، مریم. *اسماعیلیان ایران از سقوط الموت تا امروز با تکیه بر دوران معاصر*. کارشناسی ارشد. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۲.

معماری، رزا. *تاریخ اسماعیلیه/انجمن*. کارشناسی ارشد تاریخ. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۱.

مقاله

خورشیدی، معصومه (۱۳۹۶). نقد و تحلیل رویکرد محققان در ادعای شکل‌گیری فرقه مؤمن شاهی. *مجله تاریخ و فرهنگ*. س ۴۹، ش ۲.

مصاحبه (تاریخ شفاهی)

خورشیدی، معصومه (مصاحبه‌کننده). *محبعلی محبی و اهالی انجمن (مصاحبه‌شونده)*. اراک: انجمن، ۱۳۹۲/۰۷/۲۵.

خورشیدی، معصومه (مصاحبه‌کننده). *سید مرتضی شریفی (مصاحبه‌شونده)*. اراک: انجمن، ۱۳۹۶/۹/۴.

ب) لاتین

W. Ivanow (1938), "TOMBS OF SOME PERSIAN ISMAILI IMAMS" n.s.XIV: j.B.B.R.A.S. p (62-49).

W. Ivanow (1938). "A FORGETTEN BRANCH OF THE Ismailia" JRAS. p (59-57).

Researches on the History of Iran during the Islamic Period



Scientific Quarterly Vol 2 Issue 1(3) Spring 2025

The migration of Ismaili imams from Alamut to Anjedan in the 9th and 10th centuries of AH

Sina Forouzesh^{1*}, Masoome Khorshidi²

Received: 10 April 2025

Accepted: 15 July 2025

Abstract

Local historiography due to its title, has local aspects and examines the recent and distant past of the geographical area in detail and more precisely. Social and occupational groups in any society reflect the social, economic and cultural relations of their era. On the other hand, the social origin and job status of each historian, is influential in his attitude to social issues. For this purpose, it was necessary to analyze the social and occupational groups in Amoli and Marashi's works along with their roles and functions. The problem of the current research is, what have been the components of Amoli and Marashi in the classification of occupational and social groups? The research method used in this article is the historical method, and its writing style is descriptive-analytical. Information extraction has also been done in a library manner. The research result obtained in this paper shows that social classes are formed based on components such as blood and race, property and wealth, heredity and art or virtue and knowledge; and components such as politics and militarism, advocacy of justice (judgment), bureaucracy and administration of property affairs, weather or climate conditions; and the economic factors governing a region or the type of agricultural products and existing animal species, all are the factors that have formed job groups in Tabaristan and Guilan.

Keywords: Auliaullah Amoli, Guilan, Social groups, Seyyed Zahiraddin Marashi, Tabaristan.

1- Associate Professor of History, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch Tehran, Iran. (Corresponding author): s_forouzesh@srbiau.ac.ir

2- PhD in Iranian History of the Islamic Period. Education of Markazi Province. Email: masoome.khorshidi@yahoo.com